نگاه هفته

پیش‌بینی قیمت ۶۰ دلاری

سعیده شفیعی
پژوهشگر اقتصادی

● در هفته گذشته دو شاخص برنت و وست‌تگزاس نوسان اندکی (یک دلار) را تجربه کردند. روز شنبه نفت برنت ۵۵ دلارو ۴۹ سنت و نفت وست‌تگزاس ۵۳ دلارو ۲۲ سنت معامله شدند. در روزهای یکشنبه تا چهارشنبه با اعلام خبر افزایش حفاری و رشد دومیلیون‌بشکه‌ای ذخایر نفت آمریکا، قیمت‌ها روندی نزولی را پشت سر گذاشتند، اما در روزهای پایانی هفته کاهش ارزش دلار سبب افزایش یک‌دلاری قیمت‌ها و ثبت رکورد ۵۶دلاری شد. برخی تحلیلگران معتقدند این افزایش قیمت می‌تواند به رشد تولید نفت غیرمتعارف (شیل) در آمریکا منجر شود و درنهایت با افزایش عرضه، ثبات بازار را برهم بزند.

۳ شاخص اصلی قیمت نفت

قیمت نفت «برنت دریای‌شمال» (Brent) در اواسط روز جمعه، بیست‌وهفتم ژانویه ۵۵ دلارو ۶۲ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، ۸۶ سنت رشد نشان می‌دهد. شاخص «نفت وست‌تگزاس‌اینترمیدیت» (WTI) نیز در همین زمان ۵۳ دلارو ۳۱ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، ۶۱ سنت افزایش یافته است. برخی از کارشناسان بازار بر این باورند اقدام مجلس نمایندگان آمریکا برای تغییر مالیات بر شرکت‌ها می‌تواند قیمت این شاخص را در هفته‌های آتی به بیش از شاخص برنت برساند. همچنین بنابر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) در روز پنجشنبه، بیست‌وششم ژانویه به ۵۲ دلارو ۹۱ سنت رسید که نسبت به هفته قبل حدود یک‌دلارو ۴۶ سنت افزایش یافته است.

پیش‌بینی قیمت ۶۰دلاری

در روز بیست‌ودوم ژانویه (سوم بهمن‌ماه) تعدادی از کشورهای عضو اوپک و غیراوپک در نشستی غیررسمی در وین گردهم آمدند تا آثار توافق ماه گذشته تولیدکنندگان را بر بازار نفت بررسی کنند. در بیانیه پایانی این نشست آمده است کشورهای عضو موظف هستند ماهانه میزان تولید نفت خود را به «کمیته نظارت بر توافق کاهش تولید نفت» اعلام کنند تا این کمیته میزان تعهد و پایبندی اعضا را به کاهش تولید بررسی کند. وزیر نفت نیجریه و وزیر انرژی روسیه در صحبت‌های جداگانه‌ای با ابراز خوش‌بینی درخصوص آثار توافق کاهش تولید، اعلام کردند در چند ماه آینده قیمت نفت به بالای ۶۰ دلار برای هر بشکه خواهد رسید. به گزارش خبرگزاری بلومبرگ به نقل از شانا، با توجه به اینکه قیمت نفت که از میانه ماه دسامبر سال گذشته میلادی در حدود ۵۵ دلار باقی مانده، این خوش‌بینی‌ها قوت گرفته است.

کاهش ۱۸۰ هزاربشکه‌ای صادرات نفت عراق

وزیر نفت عراق اعلام کرد در راستای عمل به تعهدات توافق اوپک، با شرکت‌های نفتی حاضر در این کشور درخصوص کاهش تولید به توافق رسیده است. بنابر گزارش خبرگزاری فارس به نقل از رویترز، عراق صادرات نفت خود را در ابتدا ۱۸۰ هزار بشکه در روز کاهش داد که این رقم با افزایش ۳۰ هزاربشکه‌ای تا پایان ماه جاری میلادی، به ۲۱۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید. لازم به ذکر است براساس مفاد توافق ۳۰ نوامبر، اگرچه دومین تولیدکننده نفت اوپک با هزینه‌های قابل‌توجه در مبارزه با تروریسم دست‌به‌گریبان است، اما این کشور در راستای تعهد به توافق، باید تولید خود را به میزان ۲۱۰ هزار بشکه در روز کاهش دهد.

افزایش صادرات نفت ایران به اروپا

براساس آخرین گزارش‌ها، صادرات نفت‌خام ایران به کشورهای اروپایی در ماه دسامبر نسبت به ماه نوامبر سال گذشته میلادی افزایش یافته است. به گزارش خبرگزاری شانا به نقل از مدیریت امور اوپک و روابط با مجامع انرژی وزارت نفت، صادرات نفت‌خام ایران به اروپا در مدت مذکور به ۷۶۷ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به ماه گذشته میلادی، ۱۰ درصد رشد نشان می‌دهد.

همچنین در مدت مذکور، صادرات نفت‌خام ایران به کشورهای ترکیه و ایتالیا ۱۹۰ هزار بشکه در روز و به اسپانیا و یونان ۹۷ هزار بشکه در روز بوده است. لازم به ذکر است، درحال‌حاضر شرکت‌های نفتی توتال، رپسول، انی، لوتوس و هلنیک از مشتریان اروپایی نفت‌خام ایران هستند. همچنین با اجرائی‌شدن برجام از ابتدای ماه ژانویه سال ۲۰۱۶ میلادی، تولید و صادرات نفت ایران رو به افزایش گذاشته است.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت شاخص اسپات هنری‌هاب (Spot Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به بیست‌وهفتم ژانویه ۲۰۱۷، سه‌دلارو ۱۶ سنت به ازای هر میلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد که نسبت به پایان هفته گذشته، ۲۱ سنت افت نشان می‌دهد.

وحید محمودی در گفت‌وگو با «شرق» نسبت به ۲ برابرشدن حاشیه‌نشینان به دلیل بحران آب هشدار داد

زنگ خطر برای حاشیه‌نشینی دوبله

بیش از نیمی از مردم ایران دچار فقر «قابلیتی» هستند

شکوفه حبیب‌زاده: به تعبیر ویلیام کوپر: «آزادی هزاران جلوه برای عرضه دارد که بردگان هرچند راضی، از آن بی‌خبرند». وقتی انسان‌ها به حقوق خودشان و کیفیت زندگی‌شان آگاه شوند احساس‌شان و برداشت‌شان از مفاهیم متفاوت خواهد شد. این نوع فقر، که در بررسی‌های فقر، فقر احساسی نامیده می‌شود، تنها جلوه‌ای از فقر است که به گفته وحید محمودی، اقتصاددان و استاد دانشگاه تهران، دنیای ارتباطات به سبب آگاهی افراد نسبت به حقوق و شرایط زندگی‌شان، آن را تشدید می‌کند. او می‌گوید این آگاهی در کنار ناتوانی می‌تواند بسیار مسئله‌آفرین باشد و به‌طور گسترده‌ای ناهنجاری‌های اجتماعی را اعم از انواع فساد دامن بزند.

محمودی منظر دیگری از فقر را هم مورد بررسی قرار می‌دهد. بر مبنای «فقر قابلیتی»، جنس فقر از جنس درآمد نیست و درآمد یکی از جلوه‌های فقر و محرومیت است. از این منظر، فقر را به مثابه محرومیت از قابلیت یا توانمندی‌هایی می‌داند که اجازه زندگی بهتر یا باکیفیت‌تر را به فرد نمی‌دهد و در این قالب می‌گوید: «شاید اگر قرار باشد جامعه ایران را واقعا از دیدگاه فقر قابلیتی در نظر بگیریم بیش از نیمی از آنها دچار فقر قابلیتی باشند و شاید هم بیشتر».

او معیار بانک جهانی برای سنجش فقر را که می‌گوید تنها یک دهک از جمعیت ایران در فقر به سر می‌برند، زیر سؤال می‌برد و می‌گوید: «فقر پدیده‌ای ملموس و مشهود است. کافی است در تهران قدم بزنید و بفهمید ادعای اینکه کمتر از پنج یا حتی ۱۰ درصد مردم گرفتار فقر هستند به شوخی بیشتر قریب است». بر همین مبنا می‌افزاید: «برآوردهایمان نشان می‌دهد سه دهک جمعیتی درگیر فقر مطلق هستند» و «در مجموعه آماری‌مان با عدد خط فقر مواجه نمی‌شویم، بلکه با بُردار خط فقر مواجه هستیم».

این اقتصاددان از طرفی به تعداد بالای حاشیه‌نشینان کشور اشاره می‌کند که حدود ۱۳درصد از جمعیت کشور را در فقر مطلق نشان می‌دهد. او معتقد است با ادامه بحران آب در ایران در یک دهه آینده، جمعیت ۱۲میلیونی حاشیه‌نشین شهری دوبرابر می‌شود که یک هشدار جدی است. به‌همین‌دلیل او معتقد است نمی‌توان مقوله فقر را صرفا به دست امور خیریه سپرد.

محمودی به انتقاد از عملکرد اقتصادی و سیاسی می‌پردازد که عملا به توسعه فقر می‌انجامد. به گفته او: «نظریه‌هایی رادیکالی وجود دارد که از مقطوع‌النسل‌کردن فقرا و حاشیه‌نشینان دفاع می‌کند. این یعنی حذف فیزیکی فقر و فقرا! اما و هزار اما که فقر به دلایل ساختاری که گفتیم بازتولید خواهد شد و با روال فعلی هر دم جمعیت بیشتری را به زیر خود خواهد کشید».

برخی کارشناسان برآورد کرده‌اند اکنون در کشور بیش از سه دهک در فقر به سر می‌برند. با توجه به پژوهش‌های شما در زمینه فقر، این حجم از فقر را در کشور تأیید می‌کنید؟

بنا بر تعاریف مختلف، مفروضات و شیوه‌های اندازه‌گیری، اعداد و برآوردهای متفاوتی از حجم فقر و محرومیت از سوی محققان و نهادهای رسمی ارائه می‌شود. اما صرف‌نظر از تفاوت محاسباتی، واضح است همچنان میزان فقر مطلق، فقر نسبی و فقر قابلیتی در کشور قابل ملاحظه است. اگر فقر مطلق را بر مبنای برآورد بانک جهانی محاسبه کنیم، فقر مطلق بر مبنای حداقل درآمد ۵.۵ دلار در روز، عدد بالایی نیست و یک دهک را بیشتر در بر نمی‌گیرد، اما معمولا برآورد فقر بر مبنای ۱.۵، ۲.۵ یا ۵.۵ دلار در روز تصویر درستی از حجم فقر و محرومیت به دست نمی‌دهد. در محاسبه فقر مطلق باید مجموع نیازهای خوراکی و غیرخوراکی را محاسبه کنیم و براساس الگوی زندگی جامعه، حداقل‌ها را به دست آورده و به برآورد دقیق برسیم. نیازهای خوراکی معمولا برمبنای مصرف متوسط دوهزارو ۵۰۰ کالری در روز براساس سبد پیشنهادی انستیتو تغذیه ایران با ترکیبی از کالای اساسی خوراکی محاسبه و براساس قیمت روز حداقل مخارج لازم روی سبد خوراکی مشخص می‌شود. بنابراین ممکن است فرد همه دوهزارو ۵۰۰ کالری مورد نیازش در روز را از طریق نان تأمین کند، اما مکمل‌ها و مواد مغذی مورد نیاز از یکی، دو کالا تأمین نمی‌شود. براساس الگویی که مؤسسه تغذیه ایران ارائه می‌دهد، حدود ۱۳ قلم کالا را نیاز داریم که حداقل نیازهای اساسی باید از این طریق تأمین شود که شامل برنج، نان، پنیر، شیر، گوشت سفید، گوشت قرمز و... است. نیازهای غیرخوراکی را معمولا با روش اورشانسکی که از ضریب انگل استفاده می‌کند و نسبت غذا به کل را در نظر می‌گیرد، تخمین می‌زنیم. برای مثال، اگر این روش یک‌دوم باشد، یعنی ۵۰ درصد درآمد خانوار صرف نیازهای خوراکی و ۵۰ درصد غیرخوراکی می‌شود. فرض کنید اگر نیازهای خوراکی را یک میلیون تومان به دست آوردیم و ضریب انگل یک‌دوم باشد، کل حداقل نیاز دو میلیون تومان است. روش‌های دیگری هم هست که درباره حداقل مسکن و خوراک و پوشاک محاسبه می‌شود و با هم جمع می‌زنند. برآورد حداقل نیازها این امکان را به دست می‌دهد که دریابیم خط فقر چقدر است. البته برای برآورد و ارائه تصوری دقیق باید بدانیم خط فقر بنا بر ترکیب خانوار، بُعد خانوار و منطقه جغرافیایی که خانوار در آن واقع شده، چقدر است، زیرا نیازها متفاوت است. طبیعی است خانوار تک‌نفره یا دونفره یا ۱۰نفره نیازهای متفاوتی دارند. درست است براساس بُعد خانوار می‌توانیم سرانه‌شان را محاسبه کنیم، اما نیازهای خانوار و نرخ تورمی که خانوارها تجربه می‌کنند در مناطق مختلف با هم متفاوت است. بنابراین تعدیلات را برمبنای شاخص CPI (شاخص قیمت مصرف‌کننده) منطقه‌ای هم باید محاسبه کنیم تا نیازها را در جاهای مختلف یکسان در نظر نگیریم. وقتی شاخص‌های معادل‌سازی را لحاظ می‌کنیم و اطلاعات پایه تعدیل‌شده را تولید می‌کنیم تا برمبنای آن برآورد محرومیت را انجام دهیم، در مجموعه آماری‌مان با عدد خط فقر مواجه نمی‌شویم، بلکه با بُردار خط فقر مواجه هستیم. مثلا اگر ۵۰ هزار خانوار در مناطق شهری داشته باشیم، ۵۰ هزار خط فقر می‌بینیم. بر آن مبنا حجم فقر و محرومیت را محاسبه می‌کنیم که نرخ فقر، شکاف فقر و نابرابری بین فقرا چقدر است. پس از تخمین فقر و محرومیت، برآوردهایمان نشان می‌دهد سه دهک جمعیتی درگیر فقر مطلق هستند. بنابراین اگر بر این مبنا حداقل فقر مطلق را حساب کنیم و تفاوت نیاز در بعد خانوار و سایز خانوار و تفاوت قیمت کالاها را در مناطق مختلف جغرافیایی کشور در نظر بگیریم، حجم فقر و محرومیت همچنان حدود سه دهک جمعیتی را پوشش می‌دهد، اما اگر برمبنای معیار بانک جهانی (۵.۵ دلار در روز) محاسبه کنیم، شامل حدود یک دهک از جمعیت می‌شود.

محمودی به انتقاد از عملکرد اقتصادی و سیاسی می‌پردازد که عملا به توسعه فقر می‌انجامد. به گفته او: «نظریه‌هایی رادیکالی وجود دارد که از مقطوع‌النسل‌کردن فقرا و حاشیه‌نشینان دفاع می‌کند. این یعنی حذف فیزیکی فقر و فقرا! اما و هزار اما که فقر به دلایلی ساختاری که گفتیم بازتولید خواهد شد و با روال فعلی هر دم جمعیت بیشتری را به زیر خود خواهد کشید

چرا؟

فقر پدیده‌ای ملموس و مشهود است. کافی است در تهران قدم بزنید و بفهمید ادعای اینکه کمتر از پنج یا حتی ۱۰ درصد مردم گرفتار فقر هستند، به شوخی بیشتر قریب است. بنابراین باید دقت‌های پایه‌ای در برآورد فقر و محرومیت در نظر گرفته شود. نکته درخور توجه این است، چون درآمد خانوار به قیمت ثابت در سال‌های ۸۴ تا ۹۲، رشد قابل ملاحظه نداشته و رشد اقتصادی ما در مقیاس کل در سال‌های اخیر به‌شدت کاهش پیدا کرده و به منفی ۶.۷ هم رسید و اکنون هم نرخ رشد پایین است، در این مقیاس هم اگر بخواهیم به موضوع نگاه کنیم، نمی‌توانیم بهبود قابل ملاحظه‌ای را در میزان فقر و محرومیت ببینیم. یکی از متغیرهای مهمی که در سه دهه اخیر قدرت خرید مردم را نشانه گرفته نرخ بالای تورم است. کاهش نرخ تورم در سه سال اخیر اتفاق خوبی بود که روی شاخص قدرت خرید مردم اثر مثبت داشته است. به عبارت دیگر، اگر تغییرات فقر را در یک دوره به دو عامل یعنی «عامل رشد» و «عامل بازتوزیع» تجزیه کنید، با دو پدیده روبه‌رو می‌شوید. اگر به تغییرات تابع توزیع درآمد در یک دوره نگاه کنیم، یا تابع توزیع منتقل می‌شود یا شیب تابع توزیع تغییر می‌کند یا معمولا هر دو. به‌عبارت دیگر، تابع توزیع اگر منتقل شود در عمل معمولا شیب هم تغییر پیدا می‌کند. تغییرات شیب، نابرابری درآمدها در طول آن دوره را نشان می‌دهد. انتقال تابع، رشد درآمد را نشان می‌دهد. اگر تغییرات فقر را تجزیه کنید به شما نشان می‌دهد چه میزان از اینها ناشی از نابرابری در درآمد است که منجر به فقر بیشتر شده و چه میزان از عامل رشد حادث شده است.

در ایران به چه نحوی بوده؟

برآوردهایی که برای نابرابری اقتصادی در سال ۹۴ است، نشان می‌دهد روند ضریب جینی افزایشی بوده است. یکی از مهم‌ترین دلایل این است که یارانه‌ها پس از تزریق به اقتصاد خانوار، به‌تدریج سال‌به‌سال به‌دلیل تورم ارزش کمتری پیدا کرد و نقش آن در گروه‌های پایین درآمدی کمتر شد. از طرف دیگر افزایش قیمت نفت یا میزان درآمدهای نفتی هم اثر مستقیمی را در بهبود توزیع درآمد ایجاد نکرده و در مسیر عامل رشد هم، نرخ رشد درآمد خانوار پایین بوده است. بنابراین به‌دلیل پایین‌بودن رشد درآمد خانوار از یک طرف و افزایش میزان نابرابری از طرف دیگر، به عنوان دو فاکتور تعیین‌کننده تغییرات فقر، نباید انتظار کاهش فقر داشته باشیم، بنابراین انتظارمان این نیست که فقر با وجود کاهش تورم، کاهش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده باشد. از طرف دیگر در سال‌های ۹۳ و ۹۴، افزایش قیمت حامل‌های انرژی را تا ۵۰ درصد داشته‌ایم که اثری روی یارانه‌ها یا میزان پرداخت بیشتر به خانوارها نداشته است. بنا بر ثابت‌بودن میزان یارانه پرداختی به خانوارها ارزش واقعی و نقش آن در سبد درآمدی خانوار سال‌به‌سال کم‌رنگ‌تر خواهد شد. اینها تصویری از میزان فقر مطلق را نشان می‌دهد. اما اگر عمیق‌تر نگاه کنیم و حجم محرومیت و فقر قابلیتی را مبنای ارزیابی قرار دهیم، در آن صورت متوجه می‌شویم چالش‌هایی که مرتبط با حوزه رفاه است، در اقتصاد ما قابل ملاحظه است. فقر نسبی را معمولا نصف میانگین درآمدی فرد یا خانوار در نظر می‌گیریم که بنابر اینکه رشد اقتصادی در کشور بالا نبوده و درآمد سرانه ما در طول چهار دهه گذشته افزایش قابل ملاحظه‌ای را تجربه نکرده، در عمل و خارج از انتظار فقر نسبی از فقر مطلق کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر، وقتی نابرابری زیاد و درآمد سرانه پایین باشد، میانگین درآمد سرانه، عدد کوچک‌تری خواهد بود و اگر براساس روشی که اشاره کردم فقر مطلق محاسبه شود، ۵۰ درصد میانگین درآمد ما از فقر مطلق هم کمتر خواهد شد و در عمل خط فقر نسبی زیر خط فقر مطلق قرار خواهد گرفت.

عکس: آیدین رهبر

خب، این در بررسی‌های فقر مشکلی ایجاد نمی‌کند؟

خیر، معنی‌اش این است که به لحاظ درآمدی همچنان موضوع فقر مطلق موضوع اولمان است و باید تلاش کنیم آن را برطرف کنیم. نکته مهم این است که طبق تعریف، گول فقر نسبی را نخوریم، زیرا در حالتی که گفته شد چون خط فقر نسبی کمتر از فقر مطلق می‌شود ممکن است افراد کمتری را زیر خط فقر به حساب بیاوریم درحالی‌که با خط فقر مطلق درصد بیشتری زیر خط قرار می‌گیرند.

در این حالت، فقر نسبی در محدوده فقر مطلق قرار می‌گیرد. نباید بازه گسترده‌تری را شامل شود؟

وقتی فقر مطلق را حساب می‌کنیم، می‌گوییم حداقل نیازهای اساسی زندگی، اما فقر نسبی را یک پله بالاتر می‌گیریم و می‌گوییم با استاندارد زندگی آن جامعه به‌طور نسبی همخوانی داشته باشد. برای سنجش استاندارد از میانگین درآمد استفاده می‌کنیم و میانگین درآمد را به عنوان استاندارد زندگی در نظر می‌گیریم. اگر فردی یا خانواری درآمدش کمتر از ۵۰ درصد میانگین یا میانه باشد، فقیر است. حالا برایند درآمد از یک طرف و پایین‌آمدن درآمد سرانه از طرف دیگر و افزایش لجام‌گسیخته تورم از طرف دیگر، حداقل نیازهای اساسی زندگی را عدد درشت‌تری نشان می‌دهد. از طرف دیگر، در محاسبه میانگین درآمد سرانه، بنا بر اینکه رشد درآمد خانوار و کشور بالا نبوده و نابرابری هم وجود داشته و وقتی نابرابری بیشتر باشد، از آنجایی‌که درآمد کل را بر جمعیت تقسیم می‌کنیم، هرچه چولگی جمعیت به گروه‌های متوسط و پایین متمایل باشد، عدد میانگین درآمد کوچک‌تر خواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۵

اقتصاد سبز

اهداف توسعه پایدار کشاورزی در راستای اقتصاد سبز

فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● اقتصاد سبز، اقتصادی است که بر پایه توسعه پایدار و آگاهی از اقتصاد بومی(سازگار با بوم) بنا نهاده شده است. در میان فعالیت‌های مختلف اقتصادی، بخش کشاورزی برای دستیابی به اقتصاد سبز سهم بالایی دارد. توسعه پایدار بخش کشاورزی مفهومی است در راستای اقتصاد سبز و دستیابی به اهداف آن. کشاورزی پایدار، سیستمی است که ضمن مدیریت صحیح و استفاده از منابع برای تأمین نیازهای غذایی بشر، کیفیت محیط زیست و ذخایر منابع طبیعی را افزایش می‌دهد. همچنین این سیستم از نظر اقتصادی پویا بوده و مواد غذایی حاصل از آن، اثر سوء بر زندگی بشر ندارد و در حفظ و مراقبت از منابع برای نسل‌های آینده نیز کوشش شده است. از نظر سازمان خواروبار و کشاورزی ملل متحد (فائو)، توسعه پایدار کشاورزی، الگویی از توسعه است که از زمین، آب و منابع ژنتیکی گیاهی و جانوری حفاظت کند، از لحاظ زیست‌محیطی بدون تخریب، از نظر فنی مناسب و بجا، از نظر اقتصادی معقول و معتبر و از نظر اجتماعی مقبول باشد. در میان اهداف توسعه پایدار جهان، اهدافی همانند پایان‌دادن به فقر شدید و گرسنگی، دستیابی به سلامت و تندرستی در تمام سنین، بهبود سیستم‌های کشاورزی و افزایش رفاه روستایی، محدودکردن تغییرات آب‌وهوایی ناشی از مداخله بشر و اطمینان از انرژی پایدار، ارائه خدمات اکوسیستم امن و تنوع زیستی، حصول اطمینان از مدیریت بهینه آب و دیگر منابع طبیعی و تبدیل حکمرانی به حکمرانی مناسب برای توسعه پایدار از جمله مهم‌ترین اهداف و شاخص‌های مرتبط با کشاورزی است. در همین راستا در ماه می سال ۲۰۱۰، فعالیت‌های پیگیرانه فائو با مجمع عمومی سازمان ملل منجر به این شد که موضوع امنیت مواد غذایی در حوزه‌های دارای اولویت اهداف بین‌المللی قرار گیرد. علاوه‌براین فائو اقتصاد سبز را در دستور کاری خود قرار داده تا روابط و فعل‌وانفعالات میان اقتصاد سبز و بخش مواد غذایی و کشاورزی از جمله فرصت‌ها و محدودیت‌ها را استخراج کند.

ادامه در صفحه ۱۵